

علامه شیخ محمد رضا جعفری

غزوه‌ی احد

در

پرتو قرآن

تدوین: حسن جهان‌دیده

روشنای مهر

غزوه‌ی اُسی پر تو قرآن

علامه شیخ محمد رضا جعفری، ۱۳۱۰-۱۳۸۹ ش

تدوین: حسن جهانگیر

تهران، روشنائی مهر، چاپ اول، ۱۳۸۰

۲۲۷ ص، شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی و چاپ: خاتم

صحافی: صداقت

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۵۲۹-۳-۰

موضوع: غزوه‌ی اُحد، ق.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ج ۳ الف/۴۵/۲۴ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۹۳۷

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۸۷۳۱۳

مرکز پخش

بنیاد فرهنگ جعفری: ۲۵۱-۲۹۱۷۶۱۱

فهرست مطالب

۹		سخن بنیاد
۱۵		پیش گفتار
۲۱		درآمد
۲۱		نقدی بر کتاب‌های سیره‌ی غیر اسلامی
۲۴		نگاهی بر بافت جمعیتی مسلمانان مدینه
۲۷		موقعیت جغرافیایی کوه اُحد
۲۸		تنگه‌ی اُحد

فصل اول

بازخوانی حوادث پیش از جنگ

۳۳		زمان وقوع جنگ
۳۴		بهانه‌ی مشرکان در لشکرکشی به مدینه
۳۷		آگاهی پیامبر ﷺ از لشکرکشی دشمن
۳۹		تشکیل شورای مشورتی
۴۱		زمان عزیمت، و تناقض بین سیره و قرآن
۴۳		تعداد و تجهیزات مسلمانان
۴۳		ماجرای بازگشت عبدالله بن ابی
۵۱		موقعیت پیامبر ﷺ نسبت به کوه اُحد

۵۱	صفت آرایه دو گروه
۵۲	تبلیغات منافقان و سستی مؤمنان
۵۴	یادآوری نصرت الهی در جنگ بدر
۵۵	وعده‌ی نصرت الهی در جنگ اُحُد

فصل دوم بازخوانی حوادث جنگ

۶۳	پرچم‌داران مسلمانان
۶۴	پرچم‌داران مشرکان
۶۵	کشته شدن طلحه به دست امیر مؤمنان علیه السلام
۶۷	بیروزی ابتدایی مسلمانان
۶۸	تحقق وعده‌ی الهی
۷۱	شکست مسلمانان و پایداری امیر مؤمنان علیه السلام
۷۳	مسلمانان در بوته‌ی آزمایش
۷۵	تناقض سیره در ماجرای فرار مسلمانان
۸۲	فرار از جنگ و سرزنش مومنان
۸۴	امیر مؤمنان علیه السلام تنها مدافع پیامبر صلی الله علیه و آله
۸۴	رشادت‌های امیر مؤمنان علیه السلام به روایت ابن ابی الحدید
۸۶	سیره و فضایل ساختگی
۹۰	نمونه‌ی دیگری از فضایل ساختگی
۹۲	ماجرای خواب‌آلودگی مؤمنان

فصل سوم بازخوانی حوادث پس از جنگ

۹۹	وعده‌ی خداوند
۱۰۱	آمدن صفیه

۱۰۱	مداوای پیامبر ﷺ توسط فاطمه‌ی زهرا و امیرمؤمنان علی‌علیه‌السلام
۱۰۲	دلیل نیامدن عایشه به أحد
۱۰۳	دفن شهدا
۱۰۵	دل‌داری مؤمنان توسط خداوند
۱۱۰	واژه‌ی «امر» در آیه‌ی ۱۲۸ آل عمران؛ دعا یا نفرین
۱۱۳	تفسیر آیه‌ی ۱۲۸ سوره‌ی آل عمران در نگاه مکتب خلفا

فصل چهارم ظهور چهره‌ی نفاق در أحد

۱۱۹	زمینه‌های وجود نفاق در مدینه
۱۲۱	وضعیت ایمان مسلمانان در مدینه
۱۲۱	رباخواری در مدینه
۱۲۳	دو نکته
۱۲۴	ایمان متزلزل مسلمانان
۱۲۸	تکذیب خدا و رسول
۱۳۱	بازگشت به شرک
۱۴۲	مناقشه و ستیز با پیامبر ﷺ در امر جهاد
۱۴۴	هشدار به عواقب هم‌سوئی با منافقان
۱۴۷	سبب همراهی مؤمنان با منافقان
۱۵۱	ایمان مسلمانان در سال‌های آخر عمر پیامبر ﷺ
۱۶۲	گریختگان از جنگ
۱۶۶	ابن ابی‌الحدید و گریختگان از جنگ
۱۶۸	نقد و بررسی کلام ابن ابی‌الحدید
۱۶۹	خاطره‌ای از ابن ابی‌الحدید
۱۷۳	ردّ تفسیر زیدین ثابت از آیات فوق
۱۷۶	وجود نفاق در مهاجران
۱۷۷	نشانه‌ی هجرت فی سبیل الله

۱۷۸	 تحریم ولایت منافقان
۱۷۹	 دستور قتل منافقان
۱۸۲	 هدف واقعی منافقان از هجرت

فصل پنجم

نگاهی به آیات پایانی سوره‌ی آل عمران

۱۸۷	 بررسی آیات
۱۹۰	 برخی ها، عامل بعضی از انحرافات
۱۹۱	 همراهی نکردن برخی منافقان با پیامبر ﷺ از آغاز
۱۹۲	 خوش خویی پیام ﷺ رحمت از جانب خداوند
۱۹۴	 جایگاه مؤمن و حقوق او در مقابل پیامبر اکرم ﷺ
۱۹۵	 اصل مشورت در جامعه‌ی اسلام
۲۰۲	 مقام امامت، انتصابی الهی و نه انتخابی
۲۰۳	 عزم راسخ، لازمه‌ی فرماندهی
۲۰۵	 نصرت الهی، عامل پیروزی مسلمانان
۲۰۶	 عدم جواز خُدعه در اسلام
۲۰۸	 عدم همانندی مرتبت مؤمن و غیر مؤمن
۲۰۸	 یادآوری نعمت رسالت
۲۰۹	 خرده‌گیری از خدا و سرزنش مؤمنان
۲۱۰	 شهادت در راه خدا؛ حیات جاودانی
۲۱۴	 مکتب خلفا و حیات پس از مرگ
۲۱۵	 واقعه‌ی «حمراء الأسد»
۲۱۹	 دل‌جویی از پیامبر ﷺ
۲۲۱	 سنت امهال و املاء
۲۲۳	 سیره و آخرین آیه‌ی مربوط به اُحُد
۲۲۵	 کتابنامه

سخن بنیاد

دنیای امروز، دنیای رقابت فشرده در عرصه‌ی عرضه‌ی اطلاعات و تبادل یافته‌هاست. کثرت انتشار مطالب به گونه‌ای است که این دوره رابه حق دوره‌ی انفجار اطلاعات نامیده‌اند، تا آن جا که مجال تفکر و نقّادی را از انسان می‌گیرد.

در همین فضای پُر تنش و پُر شتاب، سستی و آلودگی بعضی از مطالب منتشره، در کنار تحریف عمدی و دست‌اندازی به حقایق، عامل دیگری است در کنار عامل پیشین، که مانع از تفکر و نقّادی می‌شود.

در چنین فضایی، پژوهش و بیان و بررسی اندیشه‌ها به زبان علمی و استدلالی، مهم‌ترین ضرورت هر مکتب برای حضور در این آوردگاه شتابنده و بی‌امان است.

حقایق بالنده‌ی شیعی، شجره‌ی طیّبه‌ای است که ریشه در خُرت الهی انسان دارد و شاخه‌هایش در ذهن و اندیشه‌ی آدمیان است. این بنای پایدار بر آن مبنای استوار ساخته شده و شکوهمندانه چون کوه، در برابر افکار دیگر می‌بالد و سر می‌فرازد.

در عین حال وظیفه‌ی دانشمندان و عالمان دینی است که با تمام نیرو برای نجات ناآگاهان بکوشند و آنان را به راه حق ارشاد نمایند؛ زیرا با کوتاهی در این امر، شریک انحراف گمراهان خواهند بود.

در گفتار نورانی خاندان رسالت، اوصاف و ویژگی‌های متعددی برای عالمان و دانشمندان دینی بیان گردیده است. امام حسن عسکری علیه السلام به نقل از امام صادق علیه السلام عالمان دینی را مرزبانان و سنگرداران حریم دین در مقابله‌ی با ابلیس و یاران او معرفی کرده و می‌فرمایند:

علمای شیعه سنگربانان در برابر ابلیس و یاران خبیث او می‌باشند. شیعیان را از حمله‌ور شدن و تسلط آنان بر نادانان شیعیان ما جلوگیری می‌نمایند. آگاه باشید هر کس در این موقعیت قرار گیرد، هزار هزار بار برتر است از کسی که با روم و رُف و خزر به پیکار برود، زیرا چنین کسی از دین دوستان ما دفاع می‌کند، ولی مجاهدان از بدر آن‌ها دفاع می‌نمایند.^۱

هم‌چنین آن امام علیه السلام در حدیث دیگری، عالمان را کافلِ ایتام آل محمد علیهم السلام خوانده و می‌فرمایند:

حضرت امام حسین علیه السلام فرمود: هر کس یتیم ما را که از ما دور افتاده کفالت کند - و ما بر اساس مصلحت دوست داریم که او پنهان باشیم - و از دانش ما که به وی رسیده با آن یتیم مواسات کند و او را سرپرستی نماید و به او بیاموزد تا وی هدایت گردد خدای عزوجل به او پاداش دهد و می‌نماید: ای بنده‌ی بزرگواری که مواسات نمودی، من سزاوارتر از تو به کرم و برگزینی. ای فرشتگانم به عدد هر حرفی که به دیگران آموخته است در بهشت به او هزار هزار قصر بدهید و از سایر نعمت‌ها بر آن کاخ‌ها بیفزایید آن چه را که سزاوار است.^۲

امام کاظم علیه السلام نیز در حدیث شریفی، دانشمندان دینی را به مثابه دلقه‌ای محکم برای مؤمنان دانسته و فرموده‌اند:

هرگاه مؤمن دانا بعیرد، فرشتگان و نیز نقاطی از زمین که در آن‌ها بندگی خدا می‌نموده و درهای آسمان که اعمال شایسته‌ی وی از آن‌ها بالا رفته است، بر او می‌گیرند؛ و با مرگ او در اسلام رخنه‌ای ایجاد می‌شود که هیچ چیز آن را جبران

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۵. ۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۴.

نمی‌کند... زیرا مؤمنان فقیه و دانا، حصار استوار و محکم مسلمانان می‌باشند، همانند دیوار شهر که اطراف آن را احاطه کرده است.^۱

این اوصاف عالمان مجاهد و وارسته‌ای است که همواره در نشر و تعلیم و مرزبانی معارف مکتب اهل بیت علیهم‌السلام کوشیده‌اند، چنان‌که امام یازدهم علیه‌السلام به نقل از امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید:

بهترین و با ارزش‌ترین عمل نیکویی که یکی از علمای از دوستان ما برای خود پیش می‌فرستد تا در زمان فقر و احتیاج و نیاز و گرفتاری خویش از آن بهره‌مند گردد، آن است که در دنیا به فریاد یکی از دوستان نادان ما برسد و او را از خطر شمشیر حد و بامبر، رهایی بخشد. وی از قبر خود به پای خیزد در حالی که فرشته‌ای در میان منظم از کنار قبر تا جایگاه همیشگی و دائمی او در بهشت به پای ایستاده‌اند و او را بال‌های خود حمل می‌کنند تا به بهشت وارد شود، و به وی می‌گویند: خوشا به حال تو، خوشا به حال تو، ای کسی که سگان را از نیکان دور می‌ساختی و ای کسی که پادشاهان و پادشاهان برجسته، غیرت می‌ورزیدی.^۲

و نیز به نقل از امام هادی علیه‌السلام می‌فرماید:

اگر پس از غیبت قائم ما علیه‌السلام باقی نمی‌ماند، علمایی که مردم را به سوی آن حضرت دعوت کنند، و آنان را به سوی آن گرامی راه مبارک نمایند و با حجّت‌ها و دلیل‌های الهی از دین او دفاع کنند، و بندگان ضعیف خدا را از دام ابلیس و پیروانش و از دام دشمنان ما نجات دهند، قطعاً کسی باقی نمی‌ماند، مگر آن‌که از دین خدا مرتد می‌شد. ولی آن دانایان، دل‌های ناتوانان از شیعه را تقویت نموده و از انحراف نگهداری می‌کنند، همان‌طور که ناخدای کشتی، آن را نگه می‌دارد. آن‌ها برترین خلق نزد خداوند عزّوجلّ می‌باشند.^۳

۱. مجلسی، بحار الأنوار؛ ج ۷۹، ص ۱۷۷. ۲. مجلسی، بحار الأنوار؛ ج ۲، ص ۱۱.

۳. مجلسی، بحار الأنوار؛ ج ۲، ص ۶.

اختیار این مؤسسه قرار گرفت تا نسبت به احیای آثار ایشان اقدامات لازم صورت گیرد.

از آن جا که یکی از اهداف بنیاد فرهنگ جعفری، تدوین و نشر آثار بیانی و بنانی جناب علامه شیخ محمد رضا جعفری رحمته الله علیه است، کتاب حاضر تقریری از سلسله مباحث آن بزرگوار پیرامون غزوه‌ی «أُحُد» می‌باشد که گروه تدوین و نشر آثار، پس از تنظیم این مباحث توسط حجت الاسلام حسن جهان‌دیده، آن را مورد بازبینی قرار داده و به صورت کتاب حاضر تکمیل و آماده نشر نموده است. در پایان لازم می‌دانیم از تمام عزیزانی که ما را در آماده‌سازی و نشر این کتاب ارزشمند یاری نموده‌اند، قدردانی و تشکر نماییم. امید است تلاش حاضر خرسندی قلب فرزندان حضرت ولی عصر علیه السلام را فراهم نموده و مورد قبول حضرت حق واقع شوند. ان شاء الله.

بنیاد فرهنگ جعفری

قم؛ ۱۳۹۴ هـ. ش

پیش گفتار

تصویری که از جنگ اُحد - در سال سوّم هجرت - در ذهن افرادی بسیار، نقش بسته است، حکایت تاحی از نخستین شکست مسلمانان صدر اسلام می‌باشد که در نتیجه‌ی ضعف ایمان و نافرمانی محافظان تنگه‌ی کوه اُحد از دستور پیامبر ﷺ به وقوع پیوست.

کتاب‌های سیره - از جمله سیره‌ی ابن اسحاق و به تبع آن، تمامی کتاب‌هایی که پیرامون سیره‌ی نبی اکرم ﷺ نگاشته شده است و هم‌چنین بسیاری از داستان‌نویسان شیعه -، ماجرای دوّمین رویارویی اسلام و کفر را به گونه‌ای گزارش کرده‌اند که گویا آتش جنگ اُحد، سبب خون‌خواهی کُشته‌شدگان مشرکان در جنگ بدر، برافروخته شد و تمامی راویان، آن را فصل مشترک ماجرای اُحد پنداشته‌اند. چکیده‌ای از آن چه در کتاب‌های سیره، در شرح وقایع مربوط به جنگ اُحد رقم خورده است، چنین است:

ماجرا از جایی شروع می‌شود که ابوسفیان با سه هزار مرد جنگی به همراه تعدادی از زنان رقاصه با کَبْکَبه و دَبْدَبه و غوغا و هیاهوی بسیار، برای جنگ با مسلمانان، از مکه بیرون آمد.

آن‌گاه که ابوسفیان نزدیک شهر مدینه اردو زد، پیامبر ﷺ از ماجرا آگاه شده و با مسلمانان در مورد نحوه‌ی مقابله با مشرکان به مشورت پرداختند. گروهی از آنان بر آن بودند که در شهر بمانند و مدینه را سیر دفاعی خود قرار دهند. اما

گروهی دیگر بر این باور بودند که باید در بیرون شهر به مَصافِ مشرکان بروند. رسول اکرم ﷺ نیز ابتدا مایل به خروج از شهر نبودند، اما هنگامی که با پافشاری اکثریت افراد بر خروج از شهر مواجه شدند، رأی آن حضرت نیز بر این تعلق گرفت که در بیرون شهر با دشمن روبه‌رو شوند.

پس از خروج پیامبر ﷺ از مدینه، در بین راه برخی از افرادی که مایل بودند در مدینه مستقر گردند، به این بهانه که پیامبر ﷺ نظر آنان را نپذیرفته است، از لشکر مسلمانان جدا شده و به نشانه‌ی اعتراض، به شهر باز گشتند.

مسلمانان در چگونگی واکنش نسبت به این گروه دو دسته شدند. عده‌ای معتقد بودند که با آنان را کُشت و دسته‌ای دیگر مخالف قتل آنان شدند. در این هنگام امیه بنت نضل هشت سوره‌ی نساء نازل شد و مسلمانان را در مورد دو دستگی در برابر با منافقان، مورد ملامت و سرزنش قرار دارد.

این رویداد که پیامدی جز از کُشت سیصد نفر از بدنه‌ی سپاه پیامبر ﷺ به مدینه و تضعیف روحیه‌ی مسلمانان نداشته حضرت را بر آن داشت تا با بقیه‌ی افراد خود، در دامنه‌ی کوه اُحُد اردو روند.

مشرکان بر این باور بودند که در جنگ اُحُد، علت نداشتن پرچم‌داران شجاع و متعهد، متحمل شکست شده‌اند. به همین دلیل ابوسبیان در جنگ اُحُد پرچم‌داران شجاعی از قبیله‌ی «بنو عبد الدار» به همراه خود آورد. پرچم‌داران مشرکان، یعنی «اصحاب اللواء»، ده نفر بودند که قسم یاد کردند تا با کشته شدن یکی، دیگری متعهد برافراشته مانند پرچم باشد. اما با شروع جنگ، همه‌ی آنان یکی پس از دیگری کشته شدند و سرانجام آخرین نفر آن‌ها نیز که غلام آزادشده‌ای از قبیله‌ی «بنو عبد الدار» بود، از پا درآمد و پس از آن مشرکان پا به فرار گذاشتند.

مسلمانان با مشاهده‌ی فرار مشرکان، به گردآوری غنائم پرداختند. در این هنگام عده‌ای از مسلمانان که وظیفه‌ی محافظت از تنگه‌ی کوه اُحُد را به عهده داشتند،

جایگاه خود را ترک کردند و به سراغ غنائم رفتند. «خالد بن ولید» از این موقعیت استثنایی، استفاده کرد و پس از دور زدن کوه، از راه این تنگه و از پشت سر به مسلمانان یورش آورد.

مسلمانان که خود را غافلگیر و گرفتار یافتند، به سوی کوه گریخته و از آن بالا رفتند. پیامبر ﷺ نیز همراه مسلمانان پای در کوه نهادند و جان خود را از این معرکه نجات دادند ولی عده‌ای نیز مانند جناب حمزه، در میدان نبرد مقاومت کردند تا شهید شدند.

در اوج جنگ و درگیری، ناگهان شایع کردند که پیامبر ﷺ کشته شده است. این عامل نیز راهی برای مسلمانان را پیش از پیش تضعیف کرد، به طوری که سبب شد تا بقیه‌ی مسلمانان هم، دست از پیکار بکشند و به سوی کوه بگریزند. در این هنگام ابوسفیان شروع به سردادن شعار «أَعْلَى هُبْل»^۱ نمود. عمر گفت: شعارهای ابوسفیان مرا بی‌تاب کرده و من تحمل شنیدن این جسارت‌ها را ندارم. آن‌گاه در پاسخ به ابوسفیان فریاد زد: «الله أكبر، بل لا سواه».

ابوسفیان عمر را شناخت و او را صدا کرد گفت: آیا تو پسر خطاب هستی؟ عمر گفت: بله. ابوسفیان پرسید: آیا محمد زنده است؟ عمر گفت: آری، او زنده است و صدای تو را می‌شنود. ابوسفیان خطاب به عمر گفت: تو نزد من راستگوتر و بهتر از «ابن قعنه» هستی. ابوسفیان بعد از شکست مسلمانان به بار خوشحال بود و فریاد می‌کشید و می‌گفت: «یومٌ یومٌ بدر». شعارهای مشرکان نیز از خوشحالی آن‌ها حکایت داشت.

لیتَ أشیأخی بیدر شهدوا جزع الخرج من وقع الأسل
مشرکان هلهله می‌کردند و چهره‌های‌شان از خوشحالی برافروخته بود. سپس ابوسفیان خطاب به مسلمانان گفت: «إِنَّ مَوْعِدَكُمْ بِدَرٍ لِلْعَامِ الْقَابِلِ» و عده‌گاه شما سال آینده در بدر خواهد بود.^۲

۱. برافراشته باد بت هُبْل. ۲. بنگرید به: ابن هشام، السیرة النبویة: ج ۳، ص ۵۸۱ به بعد.

اما کارزار اُحُد در قرآن کریم، قصّه‌ی ناگفته‌ای از غربت رسول خاتم صلی الله علیه و آله است که با آن چه در کتاب‌های سیره رقم خورده است، تفاوت‌هایی بنیادین دارد. از همین رو، در این نوشتار به بررسی این واقعه از منظر قرآن مجید خواهیم پرداخت.^۱ زیرا قرآن، کلام خدا و حجّت الهی است. پس باید در تمامی کلمات آن تدبّر نمود تا معانی جملات و ارتباط بین آن‌ها روشن گردد، و همان‌گونه که اعتصام به قرآن به مثابه مهم‌ترین منبع استنباط احکام الهی تلقی می‌شود، باید در تبیین و فهم دیگر امور، به این اصل اصیل و شیوه‌ی قویم نیز اهتمام ورزید.

بر این باوریم حتی اگر قرآن مجید - معاذ الله - حجّت شرعی نبود، حدّ اقل بیانگر تاریخ، صرّ حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله می‌باشد. زیرا آن حضرت آیات کلام الله را برای همه افکار جامعه‌ی آن روز، با هر دین و آیینی قرائت می‌فرمود و اگر دشمنان اسلام در این آیات، کوچک‌ترین جمله‌ی خلاف واقعی می‌یافتند، مسلماً با هوجبی کرم و جاسازی می‌کوشیدند از آن حرب‌های بر ضدّ اسلام بسازند.

در جریان جنگ اُحُد، پس از آن که مسلمانان با افسوس از شکست، به مدینه بازگشتند، منافقان شروع به القای شبهه در میان مؤمنان ساده‌لوح کردند و گفتند: پیروزی شما در بدر، یک اتفاق بوده است و وعده‌های پیامبر صلی الله علیه و آله گاهی نیز دروغ از کار در می‌آید! این سخنان شیطنت‌آمیز بر دل مؤمنان ساده‌روح، تأثیر عمیق گذاشته بود. بنابراین وقتی منافقان این چنین از کج‌فهمی برخی از مؤمنان سوءاستفاده نموده و در آن‌ها القای شبهه می‌کردند، روشن است که اگر یک کلمه‌ی خلاف واقع در قرآن می‌یافتند، بیش از این و حتی در زمان‌های بعد، آن را بزرگ نمایی می‌کردند.

در این راستا، «کلام خدا» باید به عنوان فصل الخطاب اختلافات و تناقضات سیره پذیرفته شود تا در این مطالعه و سیر تاریخی با فهم دقیق معانی کلام الله، هم

۱. سیره نویسان، مفاد آیات ۱۲۱ تا ۱۸۰ سوره‌ی آل عمران را در بیان وقایع این غزوه رقم زده‌اند.

القائات شیطانی معاندان بی اثر گردد و هم از رهگذر تدبّر در قرآن و انطباق سیره با کلام خدا، حجّت بر مغرضان تمام شود.

مدّعی ما در بازخوانی جنگ اُحد، تلاش برای کشف حقایق نهفته‌ی این رویداد بزرگ صدر اسلام است که با مرور زمان یا در لایلای صفحات تاریخ مدفون شده و یا مورد تحریف و تنقیص قرار گرفته است. از این دریچه، جنگ اُحد نه تنها یک انتقام ساده از شکست بدر، بلکه نقشه‌ای از پیش طراحی شده به منظور نذف شخص رسول الله ﷺ از معادلات و مناسبات جامعه بود. هم چنین شکست مسلمانان، نه به دلیل نافرمانی محافظان تنگه‌ی کوه اُحد، بلکه نتیجه‌ی کارشکنی و توطئه‌ی خفی منافقان بود. توطئه‌ای که با هدف تنها گذاشتن پیامبر ﷺ در وسط معرّه‌ی جنگ پی‌ریزی شد.

بر این اساس، منافقان مدّعی ما هم‌دستی مشرکان مکه، جنگی ترتیب دادند تا با خالی ساختن پیرامون رسول خدا ﷺ در آن نبرد، آن حضرت را در چنگال دشمن، گرفتار سازند. اما با شروع نبرد، امیرالمؤمنین ﷺ با کشتن همه‌ی پرچم‌داران دشمن، یک تنه معادله‌ی جنگ را به نفع مسلمانان تغییر داد و جایی برای اجرای توطئه‌ی منافقان باقی نماند.

مسلمانان با مشاهده‌ی فرار مشرکان به دنبال کسب غنیمت، آرایش نظامی خود را از دست دادند. در این میان محافظان تنگه‌ی کوه اُحد به خود را به خیل مشتاقان مطامع دنیا رسانده و جایگاه خود را که پیامبر ﷺ تلاش زیادی به حفظ آن در هر شرایطی فرموده بودند، رها کردند. منافقان که در ابتدا نقشه‌ی خود را نقش بر آب دیدند، مترصد فرصت مناسبی بودند که نقشه‌ی خود را عملی سازند. لذا محافظان تنگه‌ی کوه اُحد را به رهاکردن پُست خود و جمع‌آوری غنیمت، ترغیب کردند. با حصول این فرصت استثنایی، راه برای تهاجم خالد بن ولید، هموار شد. سپس با انتشار شایعه‌ی قتل پیامبر ﷺ شیرازه‌ی سپاه مسلمانان را از هم گسیختند و موجبات فرار آن‌ها را فراهم آوردند و...

در واقع جنگ اُحد صفحه‌ای از کتاب غربت پیامبری است که با همه‌ی عده و فراوانی افراد، «تنها» است. غربتی که سایه‌ی سنگین آن حتی پس از آن حضرت نیز بر آسمان مدینه سنگینی می‌کرد. آن قدر سنگین که بیست و پنج سال نفس پیامبر ﷺ را خانه‌نشینیِ جهل مردم کرد.

بازخوانی جنگ‌های صدر اسلام، به پژوهشگران و کاوشگران تاریخ، این امکان را می‌دهد که پاسخی استوار و قویم برای حوادث مدینه‌ی پس از حضرت خاتم الانبیا ﷺ بیابند.

به راستی! چه عواملی منجر به وقوع ماجرای سقیفه‌ی بنی ساعده گردید؟ آیا حوادث سقیفه را می‌توان مولود هیجانی آنی که برخاسته از متن جامعه بوده، تلقی نمود و پیرایه داد؟ ما باید ریشه‌های آن را در فرایند کژراهه‌ای ژرف و در «نفاق» طراحان آن جستجو کرد؟

چرا در ماه‌های پایانی عمر شریف پیامبر، خداوند در آیاتی از قرآن، همواره مسلمانان را از خطر منافقان بیم می‌دهد؟

با وجود مرگ عبدالله بن ابی، سرکرده‌ی منافقانِ انصار، منظور از گروه منافق، چه کسانی بودند؟

آیا صحابه‌ی بزرگ رسول الله ﷺ که در کارنامه‌ی خیم افتخار شرکت در جنگ‌هایی چون بدر، اُحد و خیبر و... را دارند، می‌توانند صادق آیات نفاق باشند؟

این‌ها بخشی از پرسش‌هایی است که انتظار می‌رود در بازخوانی جنگ اُحد در پرتو آیات قرآن کریم به پاسخ مناسبی برای آن دست یافت.